توسعه ایرانی toseeirani.ir
شماره ۲۲ / سه‌شنبه ۲ مرداد ۱۳۹۷ / ۱۰ ذی‌القعده ۱۴۳۹ / ۲۴ جولای ۲۰۱۸

PDF Compressor Free Version

در گفت‌وگوی اختصاصی توسعه ایرانی مطرح شد

جزییات کودک‌ربایی نافرجام در روز روشن



گروه حوادث: مرد جوان بخاطر ۵ میلیون تومان همراه یکی از دوستانش شد تا دست به کودک ربایی ۱۰۰ میلیون تومانی بزند.

کودک تهرانی

عقربه ها ساعت ۲۰:۳۰ دقیقه یکشنبه ۲۴ تیرماه امسال را نشان می داد که خانواده‌ای سراسیمه پای در کلانتری ۱۴۷ گلبرگ گذاشتند و از ماجرای ربوده شدن پسر ۵ ساله‌شان به نام نیما خبر دادند. همین کافی بود تا تیمی از ماموران اداره ۱۱ پلیس آگاهی تهران به دستور بازپرس شعبه هشتم دادسرای ناحیه ۲۷ تهران برای رهایی که کودک ربوده شده در شرق تهران آزاد شده است. ماموران در این مرحله احتمال دادند که همدست سعید با اطلاع از دستگیری وی برای ردگم کنی و بسته شدن پرونده کودک را رها کرده است که تا سعید آزاد شود. حسین سعی داشت با داستانسرایی خود را بیگناه معرفی کند اما وقتی در تناقض گویی هایش گرفتار شد به ناچار لب به سخن باز کرد و سعید ۴۱ ساله را لو داد. کارآگاهان با ردیابی های فنی و تخصصی روز چهارشنبه ۲۷ تیرماه وقتی برای دیدن پسرش در زمین فوتبال حاضر شد در برابر ماموران قرار گرفت اما سعی داشت سوار بر موتور پا به فرار بگذارد که از ناحیه پای چپ هدف ۲ گلوله قرار گرفت.

گفت‌وگو با مرد تیرخورده

سعید ۴۱ ساله که نیما ۵ ساله را با موتورسیکلتش ربوده بود پس از دستگیری ادعا می کند تنها به خاطر ۵ میلیون تومان پیشنهاد مرد همسایه را برای آدم ربایی پذیرفته است.

■ **به چه جرمی دستگیر شدی؟**

کودک ربایی.

■ **طعمه تان را چطور شناسایی کردی؟**

پسر همسایه یکی از دوستانم بود و به پیشنهاد خود او من دست به کودک ربایی زدم.

■ **سابقه داری؟**

بله، ۲ بار بخاطر درگیری و مواد مخدر دستگیر شدم.

■ **آخرین بار چه زمانی زندان بودی؟**

۷ ماه قبل بود که از زندان آزاد شدم.

■ **چطور به فکر آدم ربایی افتادی؟**

حسین پیشنهاد داد که پسر همسایه شان را بدزدیم و از این طریق پول خوبی به جیب بزنیم.

■ **چطور نیما را سوار بر موتور کردی؟**

از قبل حسین پسر همسایه شان را به من نشان داده بود و روز کودک ربایی به سراغ پسر بچه رفتم و به بهانه موتور سواری او سوار بر موتور کردم. ۳ ساعت بیشتر در اختیار من نبود که بعد از آن پسربچه را رها کردم تا به آغوش خانواده‌اش برود.

■ **در این مدت زمان پسربچه را کجا زندانی کرده بودی؟**

زندانی نبود، با هم در خیابان می چرخیدیم، اسباب بازی برایش خریدم و حتی سفارش پیتزا داد که شام را با هم خوردیم.

■ **نیما هیچ اعتراضی نمی کرد؟**

من هیچ بدی به پسربچه نکردم و مرا در این مدت کوتاه عموصدامی زد و حتی شنیدم که نیما وقتی در برابر قاضی قرار گرفت خواسته تا من به سراغش بروم تا با هم بیرون برویم و بازی کنیم.

■ **چرا بچه را رها کردی؟**

چون دیدم کار خراب شده است، به همین خاطر نیما را رها کردم تا دستم رو نشود.

■ **چطور متوجه شدی حسین دستگیر شده؟**

همسرش اطلاع داد که حسین پیغام داده تا سمت خانه نروم، به همین خاطر متوجه شدم که دستمان رو شده است.

■ **خانواده هایتان از ماجرای کودک ربایی اطلاع داشتند؟**

نه.

■ **چقدر درخواست پول کردید؟**

ابتدا ۱۰۰ میلیون تومان اما وقتی دیدیم پوی در بساط ندارند به آنها تخفیف دادیم و حاضر بودیم در قبال دریافت ۱۰ میلیون تومان بچه را آزاد کنیم.

■ **قرار بود چطور پول ها را تحویل بگیرید؟**

حسین یک کارت بانکی به من داده بود و قرار بود پول ها به این شماره حساب واریز شود.

■ **بعد از رهایی نیما کجا رفتی؟**

۳ روز در خیابان ها می چرخیدم و حتی خانواده‌ام نیز از من اطلاعی نداشتند.

■ **فکر می کردی دستگیر شوی؟**

نه، چون طرح و برنامه‌ای که حسین کشیده بود خیلی کامل بود و اصلا فکر دستگیری نمی کردم.

■ **می دانی حکم کودک ربایی چیست؟**

اگر به من رحم کنند نزدیک به ۷ سال اما اگر بخواهند سختگیری کنند باید ۱۵ سال زندان بروم.

■ **حسین را از کجا می شناسی؟**

همسرانمان با هم دوست هستند و حسین نیز می دانست من به تازگی از زندان آزاد شدم و نیاز به پول دارم به همین خاطر پیشنهاد کودک ربایی را به من داد.

■ **خانواده نیما از وضعیت مالی خوبی برخوردار بودند؟**

چند وقت پیش از خانه آنها سرقت شده بود و حسین که در همسایگی آنها زندگی می کرد شنیده بود که پول و طلاهای زیادی از خانه سرقت رفته و با همین طرز فکر احتمال می داد که آنها خانواده پولداری هستند اما بنده خدا ها شرایط مالی شان انقدر هم خوب نبود.

■ **چرا تصمیم به کودک ربایی گرفتی؟**

به پول نیاز داشتم.

■ **چقدر پول نیاز داشتی؟**

۵ میلیون تومان پول نیاز داشتم.

■ **با ۵ میلیون تومان چه کار می خواستی بکنی؟**

راستش قصد داشتم موتورم را بفروشم و با ۵ میلیون تومانی که به دست می آورم یک پراید بخرم و در تاکسی های اینترنتی کار کنم.

■ **چرا از خانواده یا دوستانت پول قرض نگرفتی؟**

به خاطر سابقه دار بودن و زندان رفتنم کسی به من اعتماد نداشت به همین خاطر کسی پولی قرض نمی داد.

■ **شغل؟**

قبلا در خیابان عارف در کار خرید و فروش خودرو بودم اما ۱۰۰ میلیون تومان از ارث پدری ام را خوردند به همین خاطر زندگی ام خراب شد.

■ **در زمان دستگیری چرا تیراندازی شد؟**

برای دیدن پسرم به زمین فوتبال رفته بودم که ماموران را در آنجا دیدم و زمانیکه خواستم فرار کنم هدف ۲ گلوله پلیس قرار گرفتم.

■ **شنیدم خانواده نیما را تهدید کردی اگر پول ندهند پسرشان را می کشی؟**

نه، من تهدید کردم اگر پول را ندهند پسرشان را مجبور می کنم تا در خیابان گدایی کند و اصلا تهدید به مرگ نکرده بودم چون خودم پسر دارم و اصلا دلم نمی آید به کسی آسیب برسانم.

■ **حرف آخر؟**

پشیمان و شرمنده همه هستم.

بنابه این گزارش، متهمان برای تحقیقات بیشتر به دستور بازپرس شعبه ۸ دادسرای ناحیه ۲۷ تهران در اختیار ماموران اداره ۱۱ پلیس آگاهی تهران قرار دارند.

اخبار حوادث

مائده هژبری در آستانه راهی جدید

در پی پخش اعترافات مائده هژبری در صداوسیما و انتشار رقص هایش حالا وی در پیج شخصی خود گفته است «من فهمیدم رقصیدن یه هنره اما نباید اونو به همه نشون داد.» مائده هژبری در اینستاگرام خود نوشت: سلام، بعد از چند وقت این اولین باری هست که براتون مینویسم! کاری ندارم که پیج های فیک و رسانه های زرد به بهونه حمایت از من چی نوشتن و وضع رو چقدر بدتر کردن! به نظرم همش خواست خدا و هوشمندی بوده برای قویتر شدنم گلگی ای از کسی ندارم ممن فکر میکنم خدا دوستم داشته که تو این سن کم این همه تجربه های سنگین و سخت رو به دست آوردم و سعی میکنم از این به بعد مثل یه شخصی رفتار کنم که خدا دوستش داره من مثل هر آدم دیگه ای حتما اشتباهات و کارهایی رو نباید تو جایی که بودم انجام میدادم اما انجام دادم و اینجوری شد.. حالا به خاطر شون اذیت شدم تنهایی و دلتنگی کشیدم و از این به بعد نمیخوام اون داستان ادوباره پیش بیاد. من فهمیدم رقصیدن یه هنره اما نباید اونو به همه نشون داد حداقل مدلی که من میرقصیدم. تغییر سبک همیشه بد نیست و گاهی برای پیشرفت خودت لازمه.. هر آدمی لیاقت دیدن هر نوع رقص رو نداره و باید این قضیه رو بتونم مدیریتش کنم حداقل از این به بعد سعی میکنم شما هم به عنوان دوستام کمکم کنید و به شایعات و پخش کردن فیلم های قبلی خاتمه بدین، ممنون.

قتل فجیع در زندان دیوانده

مشاجره دو هم بندی و درگیری بین آنها در بازداشتگاه موقت دیوانده به قتل ختم شد. ظهر روز یک شنبه ۳۱ تیر در بازداشتگاه موقت دیوانده دو نفر از زندانیان باهم درگیر می شوند که این درگیری منجر به کشته شدن یکی از آنها می شود که انگیزه قتل هنوز مشخص نشده است. مقتول با هویت ن - ک دارای سه فرزند و اصالتا دیوانده‌ای است و بخاطر داشتن شاکی خصوصی در زندان به سر می برد قاتل اهل یکی از شهرستان های همجوار است. جنازه مقتول بعد از انتقال به بیمارستان امام خمینی دیوانده جهت کالبد شکافی و نظر پزشکی قانونی به مرکز استان اعزام شد.

بخشش مرد اعدامی پای چوبه دار

سحرگاه دیروز خانواده‌ای قاتل فرزندشان را پای چوبه دار بخشیدند. حسین مشایخی رئیس ستاد احیای سیره رضوی جنوب استان کرمان امروز در جیرفت اظهار داشت: صبح دیروز با حضور پرچم بارگاه امام رضا(ع) و خدام رضوی در زندان جیرفت اولیای دم به حرمت پرچم بارگاه رضوی از قصاص صرف نظر و مانع از اعدام شدند. وی بیان کرد: این فرد ۱۱ سال پیش مقتول را در یکی از روستاهای جیرفت به قتل رسانده بود که پس از گذشت این مدت و صادر شدن رای اعدام قرار بود بامداد دیروز این حکم به اجرا در آید که با حضور خادمان آستان قدس رضوی و صحبت و رایزنی از شب گذشته خانواده به بخشش رضایت دادند. مشایخی گفت: بامداد دیروز در بالای چوبه دار اولیای دم با اعلام بخشش قاتل در کنار پرچم بارگاه رضوی صحنه‌ای را به نمایش گذاشتند که نشان از عشق و ارادت به این امام رئوف دارد. او بیان کرد: اولیای دم با این کار از خانواده و فرد قاتل خواستند تا با وقف همه اموال و دارایی های خود به نام امام رضا(ع) سبب آزادی دوباره از بند زندان شود. مشایخی تصریح کرد: همه افراد باید این موضوع را مدنظر داشته باشند که ظلم در حق دیگران و گرفتن حق زندگی تاوان بزرگی دارد که مطالبه این حق قانونی و قصاص حق قانونی بازماندگان است.

دستگیری زن سارق زائران حرم حضرت عبدالعظیم

رییس کلانتری ۱۷۲ حرم حضرت عبدالعظیم از دستگیری زن جوان که اقدام به سرقت از زائران حرم حضرت عبدالعظیم حسنی کرده بود، خبر داد. سرهنگ میررضا بهرامی در تشریح جزئیات این خبر گفت: روز یکشنبه ماموران گشت کلانتری ۱۷۲ حرم عبدالعظیم حسنی در حال گشت زنی در حوزه استحفاظی خود بودند که در محدوده اطراف حرم مطهر متوجه زنی در حال سرقت از کیف یکی از شهروندان شدند. وی با اشاره به دستگیری این زن وانتقالش به کلانتری، اظهار کرد: در تحقیقات اولیه مشخص شد که این زن در ساعات شلوغی حرم و با سوء استفاده از شلوغی به وسیله یک کاتر اقدام به پاره کردن کیف زنان دیگر و سرقت محتویات گرانبهای داخل آن کرده است. رییس کلانتری ۱۷۲ حرم حضرت عبدالعظیم با اشاره به انجام بازجویی از این فرد، خاطرنشان کرد: در تحقیقات بعدی از این زن و همچنین بازرسی از کیف همراه وی، تعداد ۱۵ دستگاه تلفن همراه از کیفش کشف شد که بنابه اعترافات خودش این تلفن های همراه را در ساعات شلوغی حرم از محل های شارژ رایگان گوشی برداشته و متواری شده است.

خبر

انگشت اتهام به سوی زن جوان برای قتل شوهرش

۵۰ سوگند برای اعدام عروس گناهکار



گروه حوادث: ۵۰ سوگند کافی بود تا عروس گناهکار در یک قدمی طناب دار قرار گیرد.

اولیای دم مرد جوانی که در خانه اش کشته شده بود سرانجام توانستند ۵۰ نفر از بستگان نسبی خود را برای برگزاری مراسم قسامه و اثبات گناهکاری عروسشان به دادگاه معرفی کنند.

خودکشی

دوم فروردین ماه سال ۹۴ سجاد ۳۰ ساله در خانه‌اش در محله نعمت آباد کشته شد. روز نخست همسر مقتول به نام طاهره به ماموران گفت: وقتی من و شوهرم با هم درگیر شدیم او با چاقو به سینه اش زد و خودکشی کرد.

قتل

با وجود این ادعا وقتی با دستور بازپرس جنایی پرونده در اختیار کارشناسان پزشکی قانونی قرار گرفت آنها اعلام کردند مرد جوان بر اثر اصابت تیغه چاقو از سوی یک نفر دیگر به قتل رسیده است.

دستگیری عروس

با این نظریه تخصصی پرونده را وارد مرحله تازه‌ای کرد و طاهره به اتهام قتل بازداشت شد و از همان ابتدا ادعای بی گناهی کرد و بر اینکه سجاد خودکشی کرده است پافشاری کرد.

در دادگاه

طاهره در شعبه چهارم دادگاه کیفری یک استان تهران پای میز محاکمه ایستاد و مادر شوهرش برای وی حکم قصاص خواست. در جلسه دادگاه زن جوان در جایگاه متهم ایستاد و گفت: من و سجاد ۸ سال قبل در شهرستان باهم ازدواج کردیم و برای زندگی به تهران آمدیم. چون بچه دار نمی شدیم خانواده سجاد در زندگی مان دخالت می کردند و خیلی اوقات باعث درگیری بین مامی شدند. وی افزود: سجاد مدتی بود معتاد و عصبی شده بود. چون روز ششم عید جشن عروسی برادر زاده ام بود، از سجاد خواستم تا برای شرکت در جشن عروسی به شهرستان برویم اما او بهانه گیری کرد و سر همین موضوع باهم درگیر شدیم. دعوا تا نیمه شب ادامه داشت و به کتک کاری هم کشیده شد. صبح وقتی از خواب بیدار شدم برای خرید بیرون رفتم تا وسایل صبحانه را آماده کنم. طاهره افزود: اما وقتی برگشتم و سجاد فهمید برای صبحانه کره نخریده ام بار دیگر بهانه گیری را از سر گرفت. او حال طبیعی نداشت که به آشپزخانه رفت و یک کارد به دست گرفت و به سینه اش زد. من چاقو را از سینه اش بیرون کشیدم و با داد و فریاد همسایه ها را خبر کردم.

حکم قصاص

با وجود دفاعیات این زن قضات دادگاه طاهره را به قصاص محکوم کردند.

طاهره که مدام اصرار بر بی گناهی می کرد به این رای اعتراض کرد و پرونده به دیوانعالی کشور ارجاع داده شد.

نقض حکم

این حکم پس از بررسی ویژه توسط قضات در دیوان عالی کشور تایید نشد و به این ترتیب پرونده بار تحت رسیدگی قرار گرفت.

۵۰ سوگند

سرانجام قضات دادگاه کیفری پس از مشورت این پرونده را از موارد لوث تشخیص داده و حکم به برگزاری قسامه دادند. قرار بود اولیای دم ۵۰ نفر از بستگان نسبی خود را برای اثبات گناهکاری طاهره به دادگاه معرفی کردند اما توانستند ۴۶ نفر را به دادگاه معرفی کنند. به این ترتیب از دادگاه مهلت گرفتند. آنها دیروز ۴ نفر دیگر از بستگان نسبی خود را برای ادای سوگند به دادگاه معرفی کردند تا تعداد قسم ها به ۵۰ نفر رسید. با اتمام برگزاری مراسم قسامه قضات دادگاه آن را پذیرفتند و قرار شد طاهره در جلسه بعدی دادگاه آخرین دفاعش را مطرح و قضات برای وی حکم صادر کنند. طبق قانون چنانچه اولیا دم بتوانند مراسم قسامه را برگزار کنند برای متهم پرونده، حکم قصاص صادر خواهد شد.

مرد غریبه می گوید قاتل نیست

بن بست در رمزگشایی از قتل مشکوک زن تنها

گروه حوادث: پرونده قتل زن جوان که در خانه اش به طرز مشکوکی کشته شده بود به بن بست خورد.

قضات برای رهایی از این گره کور از شوهر سابق وی که ولی قهری فرزند صغیر او است خواستند ۵۰ نفر را برای ادای سوگند به دادگاه معرفی کند.

زن تنها

رسیدگی به این پرونده از ۳ سال قبل به دنبال تماس همسایه ها با پلیس و شکایت از بوی تعفنی که از خانه زن تنها در تهرانپارس به مشام می رسید در دستور کار پلیس قرار گرفت.

پلیس وقتی به خانه این زن رفت و با جنازه متعفن وی روبه رو شد.

قتل

شواهد نشان می داد این زن خفه شده شده است. یکی از همسایه ها به پلیس گفت: مردان زیادی به خانه این زن رفت و آمد داشتند. چند روزی بود زن جوان را ندیده بودیم. به همین خاطر گمان می کردیم به سفر رفته است اما بوی تعفن موجب شد به ماجرا مشکوک شویم و پلیس را مطلع کنیم.

ماموران به تحقیق پرداختند و دریافت زن جوان پس از جدایی از همسرش به تنهایی زندگی می کرد و با خانواده خودش هم قطع رابطه کرده بودند. پلیس در نخستین گام از بررسی ها به بازجویی از همسر سابق قربانی پرداخت. این مرد گفت: من و مریم چند سال قبل با عشق و علاقه به هم ازدواج کردیم اما اختلاف های زندگی مان آنقدر زیاد بود که با داشتن یک فرزند تصمیم به جدایی گرفتیم. من سرپرستی پسرم را به عهده گرفتم و ما از هم جدا شدیم. فرزندم گاهی اوقات برای دیدن مادرش به خانه او می رفت. من هیچ خبری از مریم نداشتم تا اینکه شنیدم در خانه اش کشته شده است.



ردپای یک مرد

پلیس در تحقیقات بعدی به رابطه زن جوان با یک مرد غریبه پی برد و وی را بازداشت کرد. حسن ۳۶ ساله گفت: من به واسطه دوستانم با مریم آشنا شدم. من گاهی اوقات به خانه او می رفتم و در قبال پرداخت پول با او رابطه داشتم. آخرین بار با او تماس گرفتم تا به دیدنش بروم اما پاسخ نداد.

در حالی که حسن همچنان منکر دست داشتن در قتل زن جوان بود برایش کیفرخواست صادر و پرونده اش به شعبه پنجم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد.

در دادگاه

وی دیروز به ریاست قاضی بابایی و با حضور یک مستشار پای میز محاکمه ایستاد و به بیگناهی اش اصرار کرد. ولی همسر سابق مریم که قیم فرزند اوست برایش حکم قصاص خواست.

در پایان جلسه قضات دادگاه پرونده را لوث تشخیص داده و حکم به برگزاری مراسم قسامه دادند. به این ترتیب قرار شد تا همسر سابق مریم تا یک ماه آینده ۵۰ نفر از بستگان نسبی خود را برای ادای سوگند به دادگاه معرفی کند و بعد از برگزاری مراسم قسامه برای متهم حکم قصاص صادر شود.